در گفت‌وگو با رحمن قهرمان‌پور بررسی شد

ایران و میانجیگری برای جنگ اوکراین

عبدالرحمن فتح‌الهی: دیروز چهارشنبه حسین امیرعبداللهیان راهی مسکو شد تا درباره جنگ اوکراین و میانجیگری تهران با مقامات روس دیدار کند. امیرعبداللهیان عصر روز سه‌شنبه پیش از سفر به مسکو درخصوص اهدافش از سفر به روسیه اظهار کرده بود که هدف اصلی از سفر به مسکو تلاش برای حل بحران اوکراین براساس درخواست به‌عمل‌آمده از جمهوری اسلامی ایران است. برخی طرف‌های غربی خواهان نقش‌آفرینی فعال تهران در این موضوع هستند. این مسئله یک امتیاز دیپلماتیک برای ایران است در این راستا وزیر امور خارجه ایران با سرگئی لاوروف، همتای روس خود، دیدار کرد. البته آن‌گونه که مطرح است، پیگیری مناسبات دوجانبه و موضوع افغانستان، سوریه و برجام هم می‌تواند در دستور کار مذاکراتی این سفر قرار گرفته باشد. مؤید این نکته به گفته‌های کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه، بازمی‌گردد. جلالی در اظهاراتی در جمع خبرنگاران درباره سفر امیرعبداللهیان به مسکو گفته بود که روابط ایران و روسیه روزبه‌روز در حال گسترده‌شدن است و موضوعات بسیار گسترده‌ای برای گفت‌وگوها داریم و این امر نیازمند این است که مسئولان دو کشور دیدارهای متناوب و نزدیکی داشته باشند. سفیر ایران در روسیه تأکید داشت که علاوه بر جنگ اوکراین نکته بعدی در مسائل منطقه‌ای به مسائل افغانستان، مباحث مربوط به سوریه و مسائل مربوط به غرب آسیا برمی‌گردد که در این زمینه نیز نیازمند این هستیم که با توجه به ایفای نقش مهمی که جمهوری اسلامی ایران دارد و نقشی که روسیه هم در مبارزه با تروریسم دارد، با همدیگر گفت‌وگوهایی داشته باشیم. این در حالی است که به باور برخی تحلیلگران، کارشناسان و ناظران امر، کی‌یف احتمالا این میانجیگری از سوی ایران را قبول نخواهد کرد. ازاین‌رو «شرق» در گفت‌وگویی با رحمن قهرمان‌پور به بررسی اهداف و دلایل سفر حسین امیرعبداللهیان به روسیه پرداخته است. در گپ‌وگفت با این تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل سعی بر آن بوده است که به بحث میانجیگری ایران در جنگ اوکراین نگاه دقیق‌تری داشته باشیم و از ابعاد و زوایای گوناگون این مسئله را ارزیابی کنیم. ضمن آنکه نباید این نکته را هم فراموش کرد که احتمالا مسائل مربوط به برجام و توافقات وین می‌تواند از دیگر دستور کارها و موضوعات دیدار حسین امیرعبداللهیان با طرف روس بوده باشد که در این زمینه هم ارزیابی قهرمان‌پور را جویا شده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

عکس: AFP

◆ دیروز چهارشنبه حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران، در سفری رسمی به روسیه، وارد مسکو شد و با همتای روس خود، سرگئی لاوروف، در مسکو دیدار کرد. آن‌گونه که امیرعبداللهیان پیش‌تر گفته بود، هدف اصلی از این سفر، تلاش برای حل بحران اوکراین براساس درخواست به‌عمل‌آمده از جمهوری اسلامی ایران است. به موازاتش کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه هم درباره اهداف سفر وزیر امور خارجه به این کشور عنوان کرد که بخشی از موضوعات طبعا مسائل بین‌المللی است که نیازمند این است که ما با هم رایزنی داشته باشیم. یک بخش در حوزه اوکراین است که خود آقای وزیر هم به آن اشاره کردند. به هر حال بخشی از کشورهای اروپایی با توجه به روابط نزدیک جمهوری اسلامی ایران، خواهان این هستند که ایران در این زمینه ایفای نقش کند. از نگاه شما آیا به واقع می‌توان این شرایط را برای تهران و دولت رئیسی قائل بود؟

ببینید، اینجا مسئله مطرح‌شدن شرایط ایران برای میانجیگری در پایان‌دادن به جنگ اوکراین نیست. مسئله فراتر از این حرف‌هاست.

◆ اگر به باورتان مسئله شرایط ایران برای میانجیگری در پایان‌دادن به جنگ اوکراین مطرح نیست و پای مسائل مهم‌تری در میان است، این مسائل چه هستند؟

آنچه ایران از آن به‌عنوان میانجیگری در جنگ اوکراین یاد می‌کند، بیشتر به درخواست امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، برای نقش‌آفرینی تهران در جنگ اوکراین بازمی‌گردد. رئیس‌جمهوری فرانسه به همراه نخست‌وزیر ایتالیا و صدراعظم آلمان چند ماه پیش سفری به اوکراین داشتند و در کی‌یف با آقای زلنسکی دیدار کردند. همان‌جا این سه نفر پیشنهادی را به رئیس‌جمهوری اوکراین دادند، مبنی بر اینکه صلح با روسیه را بپذیرد و از بخشی از سرزمین‌های خود صرف‌نظر کند تا صلح، ثبات و امنیت در اوکراین و منطقه برقرار شود که همان موقع با پاسخ منفی آقای زلنسکی مواجه و این پیشنهاد صلح رد شد. به هر حال برلین، پاریس و رم از ابتدا به دنبال آن بودند و هستند که جنگ در اوکراین هرچه زودتر تمام شود؛ چراکه تبعات تداوم و تشدید این جنگ بر امنیت و همچنین مسائل اقتصادی، معیشتی و انرژی کشورهای اروپایی تأثیر مستقیم دارد. همین چند روز پیش بود که مکرون خطاب به فرانسوی‌ها گفت که باید برای شرایط سخت‌تری در پاییز و زمستان پیش‌رو آماده شوند. در مقابل محور لندن - واشنگتن به دلایل مختلف کماکان خواهان تداوم این جنگ در اوکراین هستند، چون ادامه این جنگ و تشدید آن به معنای تضعیف هرچه بیشتر روسیه خواهد بود. خاصه آنکه روسیه در اسناد امنیت ملی بریتانیا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای لندن قلمداد شده است؛ اما به هر حال فرانسه، آلمان و ایتالیا با وجود کارشکنی‌های ایالات متحده و انگلستان سعی دارند از تمام ظرفیت‌ها، پتانسیل و تمام راه‌های موجود برای توقف جنگ در اوکراین استفاده کنند؛ چون مسئله تبعات مخرب این جنگ بر اقتصاد، انرژی، حوزه ژئوپلیتیک اروپا و به‌ویژه امنیت اروپایی‌ها مسئله‌ای نیست که این سه کشور (آلمان، فرانسه و ایتالیا) بخواهند از آن چشم‌پوشی کنند؛ بنابراین سعی دارند این جنگ هرچه سریع‌تر تمام شود. با توجه به این نگاه، فرانسوی‌ها تلاش کردند از روابط مطلوب و مثبت تهران - مسکو در این زمینه بهره‌برداری کنند و به دنبال آن هستند که از ظرفیت جمهوری اسلامی برای متقاعدکردن روسیه در پایان‌دادن به جنگ بهره بگیرند.

◆ این می‌تواند یک امتیاز دیپلماتیک باشد اما آیا شرایط کلی اجازه چنین نقش‌آفرینی را به ایران برای میانجیگری می‌دهد؟

نکات شما کاملا درست است. چون علاوه بر تلاش‌های مشترک فرانسه، آلمان و ایتالیا حتی کشورهای دیگری مانند ترکیه، اندونزی و هندوستان هم نتوانستند درخصوص میانجیگری و پایان‌دادن به جنگ اوکراین کاری از پیش ببرند. پس به طریق اولی ایران هم به دلیل شرایط موجود نمی‌تواند درخصوص میانجیگری و حتی تلاش برای فروکش‌کردن درگیری‌ها کاری صورت دهد. به هر حال باید بپذیریم برقراری صلح در جنگ اوکراین مسئله بسیار پیچیده‌ای است. ضمنا همان‌گونه که گفتم و دوباره هم تأکید می‌کنم تقابل دو محور لندن - واشنگتن با محور برلین - پاریس - رم عملا جنگ اوکراین و به تبعش پروسه میانجیگری را برای هر کشوری به شدت پیچیده و مبهم کرده است؛ بنابراین چشم‌انداز روشنی برای پایان‌دادن به جنگ اوکراین، حداقل در کوتاه‌مدت وجود ندارد. خصوصا اینکه آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها ارسال تجهیزات و جنگ‌افزارها به اوکراین را منوط به آن کرده‌اند که زلنسکی بدون چراغ سبز واشنگتن و لندن اجازه هیچ‌گونه توافقی برای صلح با روس‌ها را ندارد. از طرف دیگر چالش مضاعف آنجاست که روسیه هم به تلاش‌های محور برلین - پاریس - رم توجهی ندارد و به آن اهمیت نمی‌دهد. چون اگر به خاطر داشته باشید مکرون پیش از آغاز تجاوز روسیه به اوکراین سفری به مسکو داشت و دیداری را با پوتین انجام داد؛ رئیس‌جمهور فرانسه بعد از آن سفر گفت که همتای روس او (پوتین) این تضمین را داده است که به اوکراین حمله نمی‌کند اما به فاصله چند روز بعد خلاف آن ثابت شد؛بنابراین در حالی که روسیه هم به اروپایی‌ها اعتماد ندارد، موضوع اوکراین بحرانی است که به این زودی‌ها فروکش نخواهد کرد. پس این شرایط به گونه‌ای نیست که ایران بتواند در آن نقش‌آفرینی کند.

◆ ذیل گفته‌هایتان این سؤال بیشتر خودنمایی می‌کند که اقتضائات یک پروسه میانجی‌گرانه در نظام بین‌الملل مشخصا در قبال جنگ اوکراین شامل چه پارامترهایی می‌شود؟

پروسه میانجیگری در جنگ اوکراین پروسه بسیار پیچیده‌ای است، چون این جنگ عملا موازنه ژئوپلیتیک، توازن‌بخشی ابرقدرت‌ها و حتی بحران انرژی و غذایی را در جهان به هم زده و تشدید کرده است. پس باید کشورهایی وارد پروسه میانجیگری در جنگ اوکراین شوند که از شرایط لازمه دیپلماتیک در صحنه جهانی برخوردار باشند. ضمن آنکه پیرو گفته‌های قبل خود در پاسخ به سؤال‌های پیشین شما تقابل دو محور لندن - واشنگتن با محور برلین - پاریس - رم شرایط را به مراتب پیچیده‌تر کرده است. اینها علاوه بر آن است که لازمه پیگیری و به سرانجام رساندن هرگونه پروسه میانجیگری در بحران نیاز به یک کادر مجرب، پرتحرک و پرتوان در حوزه سیاست خارجی دارد و از همه مهم‌تر کشور میانجیگر یا طرف ثالث باید روابطی «مثبت» و در عین حال «متوازن» را با همه طرف‌های درگیر مشخصا در جنگ اوکراین داشته باشد.

◆ ایران این پارامترها و مشخصه‌ها را دارد؟

خودتان چه فکر می‌کنید...؟! واقعیت امر آن است که احیانا محدودیت‌های ایران برای میانجیگری در جنگ اوکراین به مراتب بیشتر از ترکیه، اندونزی و هندوستان و به طریق اولی محور پاریس - رم - برلین است.

◆ تحلیل شما را در قبال میانجیگری ایران برای جنگ اوکراین عمیق‌تر کنیم. به نظر می‌رسد، ایران هم در نوع میانجیگری، نوع و شیوه اجرای این میانجیگری تفاوت یا تفاوت‌های معناداری را با اندونزی، هندوستان و مشخصا ترکیه دارد. این تفات‌ها به طریق اولی درخصوص محور پاریس - برلین – رم بیشتر خودنمایی می‌کند. چراکه تهران ذیل یک نگاه دوقطبی بلوک شرق – غرب، خود را در کنار پکن و مسکو در مقابل محور آمریکایی می‌بیند. در حالی که به طور مشخص اگر بخواهیم ترکیه را برای میانجیگری مثال بزنیم این کشور، نه تنها قائل به این نگاه شرق و غرب و خوانش دوقطبی نیست، بلکه به عنوان یکی از مهم‌ترین اعضای ناتو روابطی را با اوکراین در جنگ فعلی تعریف کرده و به طور هم‌زمان مناسباتش را در همه زمینه‌ها با روسیه هم حفظ کرده است. حال در مقام قیاس با این کشورها، ایران چه متدولوژی‌ای را برای میانجیگری در جنگ اوکراین، برای خود تعریف کرده است؟

به نظر من بسیار زود است که بخواهیم در مورد متدولوژی ایران برای میانجیگری در جنگ اوکراین سخن بگوییم.

◆ چرا؟

چون به نظر من ایران در اجرای این کار هنوز به آن مرحله نرسیده است که متد و راهکاری برای میانجیگری در جنگ اوکراین در پیش بگیرد. این ادعای میانجیگری بیشتر یک ژست دیپلماتیک است. اما نکته مهم‌تری که در سؤال شما به آن اشاره شد و کاملا درست است به نگاه و خوانش ایدئولوژیک ایران مشخصا در جنگ اوکراین باز می‌گردد. در سایه این نگاه ایدئولوژیک، ایران نوعی همراهی، همسویی و اتحاد را با چینی‌ها و به خصوص روسی‌ها برای خود تعریف کرده است. این در حالی است که اگر بخواهیم به طور مشخص مثالی را در این رابطه مطرح کنیم، زمانی که دور اخیر نشست وزرای امور خارجه گروه ۲۰ در اندونزی برگزار شد، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا از همتای اندونزیایی خود خواسته بود که نماینده روسیه یعنی سرگئی لاوروف (وزیر امور خارجه روسیه) در این اجلاس حضور پیدا نکند که با پاسخ منفی اندونزی همراه بود. حدود یک ماه بعد هم اجلاس سران گروه ۲۰ در اندونزی برگزار شد که آن زمان هم جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا از همتای اندونزیایی خود خواست که از سفر پوتین به این کشور جلوگیری کند که باز هم اندونزی مخالفت کرد. پس اندونزی در موقعیتی قرار دارد که امکان «نه»گفتن را حتی به ایالات متحده آمریکا دارد. یا بهتر بگوییم که اندونزی با تحقق یک سیاست خارجی درست، منطقی و متوازن این توان را برای خود تعریف کرده است که امکان نه‌گفتن را به ابرقدرت‌ها داشته باشد.

◆ به چه دلیل این امکان نه گفتن در جاکارتا وجود دارد؟

چون اندونزی اولویت سیاست خارجی خود را روی تعریف، تبیین و پیگیری سیاست خارجی متعادل و متوازن گذاشته است. یعنی اندونزی مبنای سیاست خود را روی توازن‌بخشی بین چین و آمریکا قرار داده است و سعی دارد با هر دو طرف روابط مثبت و سازنده‌ای داشته باشد تا از ظرفیت‌های دو طرف نهایت استفاده را ببرد. پیگیری درست این سیاست باعث شده است که اندونزی حتی از تشدید تقابل پکن و واشنگتن به نفع خود بهره ببرد. این سیاست علاوه بر اندونزی در کشورهای دیگری مانند فیلیپین، مالزی و ... صدق می‌کند. این کشورها در مناقشه و بحران‌های مختلف هیچ‌گاه به‌طورکامل و تمام‌عیار پشت یکی از دو طرف آمریکا یا چین و روسیه قرار نمی‌گیرند. چون این‌گونه اقدامات و این‌گونه سیاست‌ها به حساسیت طرف مقابل می‌انجامد. علاوه بر اندونزی، ترکیه هم در جنگ اوکراین سیاست مشابهی را در پیش گرفته است که کماکان ادامه دارد. اتفاقا ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو بعد از جنگ اوکراین سعی کرد به شکل پررنگ‌تری روابط متوازنی را بین روسیه و آمریکا برقرار کند تا بتواند از ظرفیت هرکدام از طرفین در این جنگ به نفع خود استفاده ببرد. ضمن اینکه ترکیه موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار مهمی در منطقه دارد تا جایی که بر اساس پیمان «مونترو» هرگونه رفت‌وآمد کشتی تجاری و نظامی، ناوهای جنگی، نفتکش و ... در دریای سیاه در وضعیت جنگی بر عهده ترکیه است. یعنی آنکارا این توان را دارد که به برخی کشتی‌ها و نفتکش‌ها اجازه ورود و تردد در دریای سیاه را ندهد، کمااینکه به کشتی‌ها و ناوهای جنگی روسیه اجازه ورود به این منطقه را بعد از جنگ اوکراین نداد. خب با این سیاست متوازن ترکیه که بعد از جنگ اوکراین بیشتر و پررنگ‌تر هم شد، هم آمریکا، هم روسیه، هم اروپایی‌ها و حتی چین هم سعی دارند ترکیه را در جبهه خود حفظ کنند. در مقابل آنکارا هم با علم به این مسئله سعی دارد نقش، نفوذ و جایگاه خود را در بحران اوکراین بیشتر کند، همچنانی که در مسئله فروش گندم و غلات با یک ابتکارعمل، ترکیه توانست منافع جدی را برای خود تعریف کند. در این راستا ترکیه این نگرانی را داشت که روسیه به تعهدات خود در توافق سه‌جانبه عمل نکند ولی تا به اکنون این سازوکار سه‌جانبه توسط روس‌ها هم رعایت شده است. چرا؟! چون روسیه هم به ترکیه نیاز دارد. بنابراین روس‌ها تعهدات خود را در توافق سه‌جانبه برای فروش گندم و غلات اوکراین رعایت کرده است. پس توانایی میانجی‌گری در بحران‌های جهانی، آن‌هم بحرانی مانند جنگ اوکراین چیزی نیست یک‌شبه برای کشورها شکل بگیرد. این کشورها باید در سازمان‌ها و نهادهای مهم بین‌المللی حضور فعال داشته باشند، در کنار آن پیرو گفته قبلی‌ام یک کادر دیپلماتیک قوی را در اختیار داشته باشند و با همه بازیگران روابط خود را حفظ و تقویت کنند و به شکل متوازن پیش ببرند. تک‌تک این مسائل باید در یک بازه زمانی و بر اساس نقشه راه محقق شود. این چیزی نیست که یک‌شبه به دست بیاید.

◆ با توجه به نکات شما، سؤال مهم‌تری که ذهن من را درگیر کرده این است که اگر تمایلی برای جمهوری اسلامی ایران درخصوص میانجیگری وجود ندارد و شاید اساسا ایران اقتضائات و پارامترهای یک میانجی‌گر را هم ندارد و حتی کشورهای دیگری هم مانند اندونزی، ترکیه و هندوستان در این مسیر ناکام بوده‌اند پس اساسا طرح ادعای میانجی‌گری توسط ایران چیست؟

در این رابطه‌های تحلیل‌های متنوعی وجود دارد اما تحلیلی که عنوان داشتید، تحلیل درستی است. به خصوص آنکه زمانی که اخبار این مسئله (فروش و ارسال پهپاد ایران به روسیه با هدف به‌کارگیری در جنگ اوکراین) طرح شد، وزارت امور خارجه ایران عنوان داشت که قرارداد فروش پهپادها به روسیه به پیش از جنگ اوکراین بازمی‌گردد. اما قبل از آن امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه در گفت‌وگوی تلفنی با همتای اوکراینی خود عملا هرگونه ادعای رسانه‌ای و گمانه‌زنی سیاسی و دیپلماتیکی را درخصوص فروش و ارسال پهپاد به روسیه از سوی ایران نادرست دانست و رد کرد. به همین دلیل تبلیغات دیپلماتیک و رسانه‌های غرب علیه ایران هم بیشتر شد. بنابراین در راستای سؤالتان که عنوان کردید من هم معتقدم ایران سعی دارد به نوعی با طرح تلاش‌های میانجی‌گرایانه به نام درخواست فرانسوی‌ها و شخص امانوئل مکرون، عملا خود را از اتهام همراهی با روسیه در جنگ اوکراین مبرا کند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران پیش‌تر هم رأی ممتنع خود را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قبال تجاوز روسیه به خاک اوکراین داده بود. البته آن زمان این گزاره تحلیلی هم وجود داشت که بخشی از جریان سیاسی و رسانه‌ای در داخل کشور در روزهای آغازین جنگ اوکراین بر این باور بودند که روسیه طی چند روز یا چند هفته توان پایان‌دادن به جنگ اوکراین، تصرف کامل این کشور و تغییر نظام سیاسی در کی‌یف را خواهد داشت. خُب زمانی که این پیش‌بینی‌ها غلط از آب درآمد به نظر می‌رسد ایران هم سعی کرده است که به‌تدریج موضع بی‌طرفی را ادامه دهد.

◆ از مسئله میانجیگری ایران در جنگ اوکراین به‌عنوان یکی از اهداف سفر امیرعبداللهیان به روسیه عبور کنیم و به دیگر مسائل بپردازیم؛ چراکه یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که می‌تواند باعث شده باشد که وزیر امور خارجه راهی مسکو شود به تشدید نگرانی‌های جمهوری اسلامی در سوریه به‌واسطه خروج روسیه از این کشور (سوریه) بازمی‌گردد. به‌هرحال خلأ حضور روس‌ها در سوریه طی روزهای اخیر شرایط را برای تشدید تنش و بروز جنگ، هم در شرق فرات و هم در غرب فرات ایجاد کرده است. از یک سو ترکیه خود را برای تجاوز مجدد به شمال سوریه و مناطق کردنشین آماده می‌کند و در طرف دیگر آمریکایی‌ها هم دور جدیدی از حملات خود را به نیروها و اهداف همسو با ایران طراحی و اجرا کرده‌اند. مضافا اسرائیل هم بر شدت حملات و تجاوزات هوایی، موشکی و پهپادی خود افزوده است. حال باید پرسید فقدان حضور روسیه که با خروج سامانه موشکی اس - ۳۰۰ از سوریه بیشتر شده است، چه آینده‌ای را برای سوریه و منافع ایران رقم می‌زند؟ آیا تهران وارد دوران جدیدی به نام «سوریه بدون روسیه» شده است؟

من این تصور را ندارم که ایران و خود دولت اسد وارد دورانی به نام «سوریه بدون روسیه» شده باشند.

◆ با استناد به چه دلیلی چنین تصوری دارید؟

چون اگرچه روسیه به دلیل جنگ اوکراین و تداوم و تشدید تبعات دیپلماتیک و به‌خصوص اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و همچنین هزینه‌های نظامی و لجستیکی آن سعی کرده است از نقش و نفوذ خود در سوریه، مشخصات در سطح میدانی بکاهد و بخش زیادی از نیروهای خود را از سوریه به اوکراین ببرد و مضافا برخی از تجهیزات نظامی خود مانند سامانه موشکی اس - ۳۰۰ را هم از سوریه خارج کند اما مسکو تا جایی که امکان داشته باشد، سعی دارد همچنان در سوریه منشأ اثر باشد و حداقل این منشأ اثر در حوزه سیاسی و دیپلماتیک سوریه برای کرملین باقی بماند. از طرف دیگر باید به این نکته هم اشاره کرد که ایالات متحده و اروپایی‌ها هم تمایلی به صرف هزینه در سوریه ندارند، چون آنها بر این باورند که نهایتا خروجی این هزینه‌ها با فایده و سود آن برابر نیست؛ بنابراین فضا برای تداوم نفوذ روسیه در سوریه کماکان وجود دارد.

◆ سؤال مهم‌تری که باید از شما پرسید این است که آیا ایران ذیل نگرانی‌های خود در سوریه این شرایط را دارد که روسیه را در این کشور (سوریه) نگه دارد و از خروج تتمه نیروهای نظامی روس از سوریه جلوگیری کند؟

این مسئله تا حد بسیار زیادی منوط به آینده جنگ در اوکراین است. اگر جنگ اوکراین تداوم و تشدید پیدا کند، به نظر من روسیه اولویت خود را روی منافع و امنیت در مرزهایش تعریف می‌کند و بنابراین باقی‌مانده نیروها و تجهیزات نظامی را از سوریه و دیگر مناطق مانند قفقاز خارج کند تا تمرکز جدی‌تری روی جنگ اوکراین داشته باشد. بنابراین اگر برای مثال تا شش‌ماه دیگر این جنگ در اوکراین ادامه پیدا کند، من تصور می‌کنم که روسیه نهایتا به این سمت خواهد رفت که از نظر نظامی و میدانی، سوریه را به‌طورکامل خالی کند اما کرملین به‌طور هم‌زمان در حوزه سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی نفوذ و تأثیر خود را حفظ خواهد کرد. پس زمان پایان جنگ اوکراین پارامتر مهمی برای نقش‌آفرینی روسیه در سوریه است. اگر جنگ اوکراین با این وضعیت ادامه پیدا کند، طبیعتا روسیه به‌مراتب ضعیف‌تر خواهد شد و توان لازم برای نقش‌آفرینی هم‌زمان در چند جبهه از سوریه تا اوکراین را ندارد.

◆ آن زمان باید پرسید که چه کشوری توان و صلاحیت جایگزینی روسیه در سوریه برای مدیریت تحولات را خواهد داشت؛ ناتو، ایران، آمریکا، اروپا یا ترکیه؟

برای پاسخ‌دادن به سؤال زود است. باید منتظر ماند و دید که تحولات جنگ اوکراین به چه سمتی پیش خواهد رفت، چون فعلا روسیه آن‌قدر ضعیف نشده است که بخواهد به‌طورکامل حضور نظامی خود را در سوریه از دستور کار خارج کند.

◆ به برجام بپردازیم. بعد از جوابیه آمریکا به پاسخ مکتوب ایران در قبال متن پیش‌نویس جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اکنون دوباره توپ در زمین ایران افتاده است تا نظرات خود را ارائه کند. بنابراین سفر دیروز (چهارشنبه) حسین امیرعبداللهیان در این بازه زمانی می‌تواند رایزنی دیپلماتیک با طرف روس برای نهایی‌کردن پاسخ‌ها باشد؛ ضمن اینکه اخیرا در داخل کشور برخی ادعای تعویق دوماهه مذاکرات توسط ایران را مطرح کرده‌اند که به نظر می‌رسد گزینه ایدئالی برای روسیه باشد. چون مقامات روس هم این نگاه را دارند که مذاکرات وین و حصول توافق، حداقل تا اوایل زمستان پیش‌رو متوقف شود. در مقابل برخی معتقدند روسیه مشتاق احیای برجام است تا از کانال لغو تحریم‌های ایران بتواند تحریم‌های خود را دور بزند. حال باید پرسید که پوتین به دنبال احیای هرچه‌سریع‌تر برجام است یا تعویق مذاکرات یا اساسا خواهان به‌شکست‌کشاندن کل پروسه وین است؟

من معتقدم برخلاف آنچه در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور مطرح است روسیه نقش چندان جدی و تأثیرگذاری در مسیر مذاکرات وین نداشته است، به‌جز در بازه کوتاهی که تازه دولت سیدابراهیم رئیسی روی کار آمده بود. پس روسیه نقش تأثیرگذاری در مذاکرات ندارد کما اینکه چینی‌ها هم در این مسیر اثرگذاری لازم را ندارند و حتی اروپایی‌ها هم این توان را ندارند، مذاکرات فقط دو طرف اصلی دارد؛ ایران و آمریکا.

◆ واقعا شما معتقدید که روسیه هیچ‌گونه تأثیری در مذاکرات وین ندارد؟

همان‌طورکه گفتم روسیه مشخصا در مقطع کوتاهی در زمان روی‌کارآمدن دولت رئیسی و بعد از آن دوره کوتاه دیگری در زمان آغاز جنگ اوکراین سعی کرد تأثیری روی مذاکرات وین داشته باشد. به‌هرحال روسیه از این میزان از تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه علیه خود ترسیده بود و سعی می‌کرد با عدم احیای برجام و تداوم مذاکرات وین یک اهرم فشار ایجاد کند که آن هم اکنون به حاشیه رفته است. پس روسیه از آن توان برخوردار نیست که ایران را از حصول توافق منصرف کند یا ایران را وادار به پذیرش احیای برجام کند.

◆ پس آیا روسیه نیم‌نگاهی به احیای برجام دارد تا از لغو تحریم‌های ایران بتواند تحریم‌های خود را دور بزند؟

من این تحلیل را از اساس غلط می‌دانم.

◆ چرا؟

چون نوع، شکل و جنس تحریم‌های روسیه از جنس تحریم‌های ایران نیست. بنابراین نمی‌توان گفت روسیه به دنبال آن است که با حصول هرچه زودتر توافق وین و احیای برجام از مجرای لغو تحریم‌های ایران بتواند تحریم‌های غرب علیه خود را دور بزند.

طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان:

طرح دوفوریتی استفساریه قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار تأیید شد

طحان‌نظیف گفت که شورای نگهبان طرح دوفوریتی استفساریه قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار را مغایر شرع و قانون اساسی ندانست. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، هادی طحان‌نظیف در توییتی اعلام کرد: «طرح دوفوریتی استفساریه مواد (۳)، (۴) و (۵) قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» در جلسه (چهارشنبه نهم شهریور ۱۴۰۱) شورای نگهبان بررسی و خلاف موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. سخنگوی شورای نگهبان همچنین در گفت‌وگویی با واحد مرکزی خبر، گفت: «اصل تصویب این قانون به چند ماه قبل بازمی‌گردد و ابهام‌هایی در مقام اجرا درباره آزمون وکالت نسبت به این مصوبه وجود داشت». طحان‌نظیف تصریح کرد: «میان مجریان و قانون‌گذار اختلاف نظری درمورد برداشت از قانون وجود داشت که حتی در این زمینه نامه‌ای هم از طرف رئیس قوه قضائیه خطاب به مجلس شورای اسلامی ارسال شده بود که رئیس دستگاه قضا در این نامه از مجلس خواسته بود که از این موضوع رفع ابهام صورت گیرد». او افزود: «در این چند روز هم نظرات و دیدگاه‌های مختلفی نسبت به این استفساریه از طرق مختلف به دست ما در شورای نگهبان رسید و ما این نظرات را هم مورد بررسی دقیق قرار دادیم که طبیعتا زاویه نگاه اعضای شورای نگهبان بررسی مصوبات از جهت مغایرت‌های شرعی و قانونی است».